

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و ششم، شماره پیاپی ۹۸
پاییز ۱۳۹۳، ص ۹۷-۱۲۲

باز کاوی ملاک تقسیم فقها به اخباریان و اصولیان*

دکتر موسی زرقی

دانش آموخته دکتری مبانی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: moosazarghi@yahoo.com

دکتر حسین صابری

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: saberi@um.ac.ir

چکیده

تقسیم فقها به اخباریان و اصولیان مهم ترین تقسیمی است که فقهای امامیه را دو گروه می کند. در کتب فقهی و اصولی نسبت دادن اخباری یا اصولی به یک فقیه زیاد به چشم می خورد، اما آنچه در این تقسیم بندی مهم است، ملاک تقسیم است. آنچه در نگاه ابتدایی به عنوان ملاک تقسیم رخ می نماید، اظهار نظر خود فقیه در مورد اخباری یا اصولی بودنش، و بعد اخباری یا اصولی بودن اساتید یا شاگردان یک فقیه، است. با بررسی اولیه، عدم کارایی این ملاکها آشکار می گردد. اما ملاک احتمالی دیگری که در این نوشته به نحو گسترده به آن پرداخته شده، تفاوت هایی است که بین اخباریان و اصولیان ذکر شده که بیش از صد فرق است. در صورت واقعی و مهم بودن این تفاوتها می توان ملاک به دست آورد و تشخیص داد یک فقیه از فقهای کدام دسته است. اما با بررسی و دسته بندی این فرقها فهمیده می شود که این فرقها ملاک تقسیم فقها نیست و ملاک دقیقی هم برای این تقسیم وجود ندارد.

کلیدواژه ها: اخباری، اصولی، تفاوت های اخباریان و اصولیان، ملاک اخباری و اصولی.

مقدمه

بعد از قرن یازده با ظهور استرآبادی و شکل‌گیری گروهی به نام اخباریان یکی از مهم‌ترین تقسیماتی که فقهای امامیه را به دو قسم می‌کند تقسیم فقها به اخباری و اصولی یا مجتهد است. این نوع تقسیم‌بندی و نسبت دادن اخباری یا اصولی به یک فقیه در بسیاری از کتب فقهی و اصولی دیده می‌شود و حتی گاهی به عنوان نسبتی ناخرسند کننده به کار رفته است. باتوجه به این مطلب، بررسی این‌که اخباری یا اصولی بودن یک فقیه اصلاً به چه معناست و با چه ملاکی فقهای امامیه به دو گروه تقسیم شده‌اند، نکته مهمی است که بدان پرداخته نشده است. در دایرة المعارف‌ها و هم‌چنین کتب فقهی و اصولی تعریف دقیقی که بتوان از آن به عنوان ملاک تشخیص اخباری و اصولی استفاده کرد، دیده نمی‌شود. تعریفی که از اخباریان در کتب ارائه شده قریب به این مضمون است: فرقه‌ای از علمای شیعه که عمدتاً اخبار اهل بیت را مأخذ عقاید و احکام دانسته و دیگر مدارک را در صورتی که مورد تأیید احادیث باشد معتبر می‌دانند (تشیع، ۷/۲؛ قیصری، ۱۶۰/۷؛ بهشتی، ۳۱). در تعریف اصولی نیز بیان شده، اصولی کسی است که اهل این فن باشد و از قواعد اصول در استنباط احکام شرعی فرعی استفاده کند (عبد المنعم، ۲۰۸/۱). این تعریف و تعاریف مشابه با توجه به شرح الاسم بودن و دقیق نبودن، نمی‌تواند یک ملاک دقیق برای معرفی یک فقیه به عنوان اخباری یا اصولی ارائه دهد، زیرا هم اصولیان عمدتاً اخبار اهل بیت را مأخذ عقاید و احکام می‌دانند و هم اخباریان از قواعد اصولی در استنباط احکام استفاده می‌کنند^۱. نبود چنین ملاکی باعث شده است که برخی شخصیت‌ها مانند فاضل تونی را زمره اخباریان بیاورند (تشیع، ۱۱/۲) و عده‌ای دیگر در زمره اصولیان (سبحانی، ۱۱/۱۷۵).

در یک بررسی نسبتاً مفصل حدود شصت تن از فقهای امامیه منسوب به گروه اخباریان شده‌اند که چند تن از مشهورترین آن‌ها عبارتند از: استرآبادی، فیض کاشانی، حر عاملی، محمد باقر مجلسی، شیخ حسین کرکی، رضی الدین قزوینی، سید نعمت‌الله جزائری، سلیمان بن عبدالله بحرانی، محمد طاهر قمی، ملا خلیل غازی قزوینی، عبد الله سماهیچی بحرانی، میرزا محمد اخباری و

۱. با توجه به این‌که هدف این نوشته معرفی ملاک اخباری بودن یا اصولی بودن است، قیل از شناخت این ملاک صحیح نیست فقیه‌ی را منسوب به اخباریان یا اصولیان بدانیم اما به جهت سهولت در نوشتار به منتسبان به اخباریان یا اصولیان مسامحتاً اخباری یا اصولی گفته می‌شود.

معرفی ملاک‌های احتمالی

ملاک‌هایی که ممکن است این فقها را در شمار گروه اخباریان وارد کرده باشد، عبارتند از:

أ- اظهار مسلک توسط فقیه

اگر فقیهی خود را اخباری بنامد جزء اخباریان است و اگر اصولی بنامد جزء اصولیان است. اشکالاتی بر این ملاک وارد است، اولاً این‌که اکثر فقها چنین تعریفی از خود ارائه نکرده‌اند، ثانیاً اگر هم ارائه کرده باشند خود این مطلب که ملاک صحت یا عدم صحت چنین تعریفی چیست جای بحث دارد، علاوه بر این مواردی وجود دارد که فقیهی به صراحت خود را جدا از طریقه اخباریان می‌داند اما وی را جزء اخباریان به شمار می‌آورند، مانند بحرانی، وی در مقدمه کتاب حدائق آورده است: «درابتداء از یاری دهندگان طریقه اخباری بودم» (۱۶۷/۱) و هم‌چنین در کتاب در بیان می‌کند: در ابتدا از پیروان این طریق بودم (۲۸۷/۳) که با توجه به مطالب بعدی وی، نشان‌دهنده این است که اکنون خود را جزء اخباریان نمی‌داند، اما برخی وی را از سران انتشار اندیشه اخباری برشمرده‌اند (امین، ۶۴/۳). مثال دیگر نعمت الله جزائری است که از وی به عنوان اخباری در دایرة المعارف‌ها و کتب یاد شده است (قیصری، ۱۶۰/۷؛ امین، ۵۱/۳؛ حسینی، ۶۹۷/۱؛ بهشتی، ۱۵۲) ولی وی صراحتاً در کتاب منبع الحیة بیان می‌کند حق چیزی بین طریقه اخباریان و اصولیان است. (جزائری، ۸۳). لذا با این ملاک نمی‌توان مرزبندی دقیقی بین اخباریان و اصولیان ایجاد کرد.

ب- اساتید یا شاگردان یک فرد

ملاک دیگری که ممکن است به ذهن برسد این است که اساتید یا شاگردان یک فقیه اگر اخباری باشند خود او نیز اخباری خواهد بود و اگر اصولی باشند او نیز اصولی خواهد بود، کما این‌که این مطلب قرینه بر اخباری بودن برخی فقها به حساب آمده است (بهشتی، ۱۲۰). بر این ملاک نیز اشکالاتی وارد است، اولاً این‌که تشخیص اخباری یا اصولی بودن آن اساتید یا شاگردان، خود نیاز به ملاک دارد، ثانیاً موارد زیادی وجود دارد که استاد به عنوان اصولی مطرح است ولی شاگردش جزء اخباریان به حساب آمده است و برعکس، مانند استرآبادی که بنیان‌گذار مکتب اخباری‌گری است ولی شاگرد صاحب مدارک و صاحب معالم، که از اصولیان به نام هستند، بوده است (استرآبادی، ۵۹ و ۱۳) و مانند یوسف بحرانی که پدرش، استاد وی و از مجتهدان بوده (بهشتی، ۱۶۲) ولی خود وی را در شمار اخباریان می‌آورند.

ملاک‌های احتمالی دیگری نیز به ذهن می‌رسد مانند این که گفته شود اگر فقیهی علمای یک گروه را تحسین کرد جزء آن گروه است و اگر توهین کرد جزء گروه دیگر است و یا بیان این که جمع آوری کردن احادیث، ملاک اخباری بودن باشد؛ این گونه ملاک‌ها دارای اشکال و دارای مثال‌های نقض فراوان است و هیچ‌کدام ممیز دقیق اخباری و اصولی نیست.

ج- تفاوت‌های ذکر شده بین اخباریان و اصولیان

آنچه شاید بتوان به عنوان ملاک تشخیص اخباریان از اصولیان مورد استفاده قرار داد تفاوت‌هایی است که بین اخباریان و اصولیان ذکر شده است. این تفاوت‌ها از جانب اخباریان و اصولیان معرفی شده، البته تعداد این تفاوت‌ها، در کتب مختلف متفاوت است. به عنوان مثال شیخ حر عاملی ۲۳ فرق، جزائری ۱۱ فرق، سماهیجی ۴۰ فرق، ماحوزی ۹ فرق، زند ۲۲ فرق، علی اخباری ۸ فرق^۴ و سید محمد دزفولی ۸۶ فرق^۵ بین اخباریان و اصولیان ذکر کرده‌اند. برای آشنایی با تفاوت‌های این که منتسبان به اخباریان و منتسبان به اصولیان بیان کرده‌اند مطالب اولین فرق‌گذار از هر گروه به طور جداگانه ذکر می‌گردد، اما پس از آن، تمام فرق‌ها به صورت پیوسته ذکر خواهد شد.

اولین اثر بیان‌کننده فرق‌های اخباریان و اصولیان

اولین اثری که بر تفاوت واقعی بین اخباریان و اصولیان پافشاری کرده و به بیان فرق‌های

۱. کتاب منیة الممارسین، اثر عبد الله بن جمعه سماهیجی بحرانی از سرشناسان منسوب به اخباریان است و نسخه چاپی ندارد. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه مرعشی و مجلس موجود است که نسخه اخیر توسط نگارنده بررسی شده. در کتاب میراث اسلامی ایران، مبحث بررسی فرق‌های بین اخباری و اصولی از کتاب منیة الممارسین، چاپ شده است که با توجه به عدم تفاوت جدی نسخه خطی با این کتاب و دشواری‌های دسترسی به نسخ خطی، ارجاعات کتاب منیة الممارسین از کتاب میراث اسلامی ایران انجام خواهد شد.
۲. سلیمان ماحوزی بحرانی (م ۱۱۲۱ق)، از سران اندیشه اخباری است. (امین، ۶۴/۳) در نسخه خطی به نام مجموعه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی قبل از ذکر فرق‌ها از کتاب منیة الممارسین به ذکر ۹ فرق بین اخباری و اصولی از زبان سلیمان بن عبدالله ماحوزی بحرانی پرداخته است.
۳. کتاب مسائل الشیرازیه اثر فتحعلی زند شاگرد میرزا محمد اخباری (آقا بزرگ، ۳۴۴/۱۶) است. این کتاب نسخه چاپی نداشته و در این مقاله از نسخه خطی این کتاب که در کتابخانه مجلس موجود است استفاده شده است.
۴. وی در کتاب سبکة اللجین فی الفرق بین الفریقین به بیان این فرق‌ها پرداخته است که جز فایل الکترونیک این کتاب در سایت آل‌عصفور نسخه خطی و چاپی دیگری از آن یافت نشد. با توجه به این که فایل فاقد شماره گذاری صفحه به صفحه است، فقط نام نویسنده در ارجاعات ذکر خواهد شد.
۵. وی در کتاب فاروق الحق که در حاشیه کتاب حق المبین نوشته شده به بیان این فرق‌ها پرداخته که با توجه به چاپ نشدن این کتاب، به نسخه خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم مراجعه شده است.

دو گروه پرداخته الفوائد الطوسیه حر عاملی است.^۶ وی در این کتاب بیان می‌کند: کسانی که به اصولیان تعصب می‌ورزند، می‌گویند نزاع اخباری و اصولی، لفظی است و علت آن، جهل اخباریان به محل نزاع است ولی باید گفت اگر نزاع اخباری و اصولی لفظی است، پس انکار اخباریان توسط شما هیچ دلیلی ندارد؛ هم در این صورت انکار اخباریان منجر به انکار جمیع امامیه می‌شود و نیز تشنیع اخباریان نباید جایز باشد، حق این است که نزاع این دو گروه در موارد محدودی لفظی است نه در همه موارد (عاملی، ۴۴۷). وی سپس به ذکر موارد اختلاف معنوی دو گروه می‌پردازد که عبارتند از:^۷

۱. حکم اجتهاد: اصولیان قائل به جواز و حتی وجوب اجتهادند ولی اخباریان عمل به غیر نص را جایز نمی‌دانند (عاملی، ۴۴۷؛ جزائری، ۵۴؛ تشیع، ۹/۲؛ حسینی، ۶۲۲/۱) و برخی صراحتاً حکم به حرمت اجتهاد کرده‌اند (سماهیجی، ۳۷۵/۴). برخی در بیان فرقه‌ها، وجوب تخیری، (سماهیجی، همان) وجوب کفایی (دزفولی، ۱۶) و وجوب عینی اجتهاد را به مجتهدان نسبت داده‌اند (قیصری، ۱۶۲/۷).
۲. حکم عمل به ظن مجتهد: اصولیان عمل به ظن مجتهد را جایز حتی واجب می‌دانند ولی اخباریان آن را جایز نمی‌دانند (عاملی، ۴۴۷؛ جزائری، ۴۲؛ سماهیجی، ۳۸۵/۴؛ تشیع، ۹/۲؛ حسینی، ۶۲۲/۱).
۳. حجیت خبر واحد خالی از قرینه: اصولیان قائل به حجیت خبر واحد بدون قرینه‌اند ولی اخباریان آن را حجیت نمی‌دانند (عاملی، ۴۴۷؛ زند، ۲۵).
۴. حکم ترجیح به مرجحات غیر منصوصه: اصولیان قائل به جواز ترجیح به مرجحات غیر منصوصه‌اند ولی اخباریان آن را جایز نمی‌دانند (عاملی، ۴۴۷؛ ماحوزی، ۳۷۵؛ سماهیجی، ۳۸۷/۴؛ زند، ۲۵؛ دزفولی، ۶؛ تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۳/۱).
۵. حجیت خبر ظنی السند: اصولیان قائل به حجیت خبر ظنی السند هستند ولی اخباریان آن را حجیت نمی‌دانند. (عاملی، ۴۴۷؛ جزائری، ۶۴؛ زند، ۲۵).
۶. حجیت خبر ظنی الدلاله: اصولیان قائل به حجیت خبر ظنی الدلاله‌اند ولی اخباریان آن

۶. قبل از وی استرآبادی (م ۱۰۳۶ق) در فوائد نظر اصولیان را آورده و رد کرده ولی تحت عنوان فرق اخباری و اصولی مطلبی ذکر نکرده است.

۷. فرقه‌هایی که از جانب حر عاملی ذکر شده از جانب برخی از فقهای بعد از ایشان به زبان‌های مختلف بیان شده است لذا برای جلوگیری از تکرار مطلب پس از ذکر هر فرق به سایر کتبی که آن فرق را ذکر کرده‌اند نیز، مطلب ارجاع داده خواهد شد.

را حجت نمی‌دانند. (عاملی، ۴۴۷؛ دزفولی، ۱۱؛ زند، ۲۵) سماهیجی عمل به احادیث و آیات محتمل الوجوه را به اصولیان نسبت داده است (سماهیجی، ۳۸۸/۴) و برخی عمل به همه الفاظ مظنون الدلاله از کتاب و سنت مانند عمومات و اطلاقات را به اصولیان نسبت داده‌اند. (تشیع، ۱۰؛ حسینی، ۶۲۳/۱).

۷. حجیت اصل: اصولیان قائل به حجیت اصل هستند ولی اخباریان آن را حجت نمی‌دانند (عاملی، ۴۴۷؛ زند، ۲۵). برخی فرق اخباری و اصولی در این زمینه را افراط اصولیان در عمل به اصل و افراط اخباریون در عدم عمل به اصل معرفی کرده‌اند. (دزفولی، ۴۰)

۸. حجیت استصحاب: اصولیان قائل به حجیت استصحاب‌اند ولی اخباریان آن را حجت نمی‌دانند (عاملی، ۴۴۷؛ جزائری، ۴۴؛ زند، ۲۵؛ علی اخباری). برخی در این مورد اخباریان را قائل به حجیت استصحاب در جایی که نصی بر آن باشد معرفی کرده‌اند. (سماهیجی، ۳۹۷/۴؛ تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۵/۱) و برخی دیگر گفته‌اند: اصولیان استصحاب را در احکام شرعی جایز می‌دانند ولی اخباریان استصحاب را مخصوص احوال و افعال انسان می‌دانند (دزفولی، ۵۹).

۹. حجیت مفهوم شرط: اصولیان قائل به حجیت مفهوم شرط‌اند ولی اخباریان آن را حجت نمی‌دانند (عاملی، ۴۴۸؛ جزائری، ۴۳؛ زند، ۲۶).

۱۰. حجیت مفهوم صفت: اصولیان قائل به حجیت مفهوم صفت‌اند ولی اخباریان آن را حجت نمی‌دانند. (عاملی، ۴۴۸؛ زند، ۲۶).

۱۱. حجیت مفهوم غایت: اصولیان قائل به حجیت مفهوم غایت‌اند ولی اخباریان آن را حجت نمی‌دانند. (عاملی، ۴۴۸؛ جزائری، ۴۳؛ زند، ۲۶).

۱۲. حجیت سایر مفاهیم: جماعتی از اصولیان قائل به حجیت برخی دیگر از مفاهیم‌اند ولی اخباریان آن مفاهیم را حجت نمی‌دانند. (عاملی، ۴۴۸؛ زند، ۲۶).

۱۳. حجیت قیاس اولویت: اصولیان قائل به حجیت قیاس اولویت‌اند ولی اخباریان آن را حجت نمی‌دانند. (عاملی، ۴۴۸؛ جزائری، ۴۵؛ زند، ۲۶؛ دزفولی، ۲۳؛ قیصری، ۱۶۲/۷).

۱۴. حجیت قیاس منصوص العله: اصولیان قائل به حجیت قیاس منصوص العله‌اند ولی اخباریان آن را حجت نمی‌دانند. (عاملی، ۴۴۸؛ جزائری، ۴۵؛ زند، ۲۶؛ دزفولی، ۲۵؛ قیصری، ۱۶۲/۷).

۱۵. حجیت اجماع: اصولیان قائل به حجیت اجماع‌اند ولی اخباریان آن را حجت نمی‌دانند.

(عاملی، ۴۴۸؛ جزائری، ۴۳؛ ماحوزی، ۳۷۵؛ سماهیجی، ۳۹۶/۴؛ زند، ۲۶).

۱۶. حجیت ظواهر آیات قرآن که روایتی مربوط به آن نباشد: اصولیان قائل به حجیت ظواهر قرآن هستند اگرچه روایتی مربوط به آن ظاهر در دست نباشد، ولی اخباریان اینگونه آیات را حجت نمی‌دانند. (عاملی، ۴۴۸؛ جزائری، ۴۳؛ سماهیجی، ۳۸۹/۴؛ زند، ۲۶؛ قیصری، ۱۶۲/۷؛ تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۴/۱). برخی در مورد این فرق آورده‌اند که، اخباریان معتقدند کل قرآن متشابه است ولی اصولیان قائل به جواز اخذ احکام از قرآن‌اند و بسیاری از روایات معارض با قرآن را کنار می‌گذارند. (همان، ۴۸).

۱۷. حجیت سایر مدارک ظنی: اصولیان قائل به حجیت سایر مدارک ظنی‌اند ولی اخباریان ظنون را حجت نمی‌دانند (عاملی، ۴۴۸؛ زند، ۲۶).^۸

۱۸. حجیت علم مکلف غیر مجتهد: اخباریان معتقدند اگر مکلفی که به درجه اجتهاد نرسیده علم به حکمی از احکام شریعت پیدا کرد جایز است به علم خود عمل کند ولی اصولیان این را جایز نمی‌دانند، بلکه معتقدند مکلف در این حالت باید به ظن مجتهد عمل کند (عاملی، ۴۴۸؛ زند، ۲۶).

۱۹. ارزش احادیثی که به مکلف غیر مجتهد رسیده در مقابل فتوای مجتهد: در مورد کسی که به درجه اجتهاد نرسیده است اگر هزار حدیث صحیح و صریح در مورد مسأله‌ای به او برسد و درمقابل، فتوای ظنی یا مطابق با اصل مجتهدی برخلاف آن هزار حدیث باشد و به گوش او برسد اصولیان معتقدند این فرد باید به فتوای آن مجتهد عمل کند و با آن احادیث مخالفت کند ولی اخباریان عمل به احادیث و مخالفت با ظن مجتهد را واجب می‌دانند (عاملی، ۴۴۸؛ زند، ۲۶).

۲۰. حجیت ظن در صورت فقدان نص: اصولیان در صورتی که در مورد خاصی هیچ حدیثی به ایشان نرسیده باشد به ظن خود عمل می‌کنند هر چند مخالف احتیاط باشد، ولی اخباریان تحصیل حدیث را واجب می‌دانند و در صورت فقدان حدیث، به استناد احادیث متواتر در این مورد احتیاط می‌کنند (عاملی، ۴۴۸؛ جزائری، ۴۲؛ زند، ۲۷).

۲۱. حجیت فتوای مجتهد پس از فوت: اگر مجتهدی بر طبق ظن خود فتوا بدهد و این فتوا با هزار حدیث موافق باشد، در صورت فوت این مجتهد، اصولیان برای مقلد، عمل به آن ظن و

۸. حر عاملی برای سایر ظنون، دوپست قاعده‌ای را که شهید ثانی در تمهید القواعد آورده است مثال می‌زند، به عقیده وی نه تنها اکثر این قواعد از کتاب و سنت برداشت نشده بلکه مخالف کتاب و سنت‌اند.

آن هزار حدیث را جایز نمی‌دانند، بلکه معتقدند مقلد باید به ظن مجتهد زنده دیگری رجوع کند اگرچه مخالف آن هزار حدیث باشد، ولی اخباریان عمل به آن احادیث را در صورتی که مفید علم باشد، ولو به انضمام قرائن، واجب می‌دانند و در صورتی که مفید علم نباشد، معتقدند باید احتیاط کرد (عاملی، ۴۴۸؛ سماهیجی، ۳۹۸/۴؛ دزفولی، ۱۲؛ زند، ۲۷؛ حسینی، ۶۲۴/۱؛ تشیع، ۱۰/۲).

۲۲. حجیت علم کسی که مقدمات اجتهاد را به طور کامل فرا نگرفته است: اگر شخصی عالم به تمام احادیث باشد و تمام مقدمات معتبر در اجتهاد، به جز یک مقدمه یا مساله، را فراگرفته باشد، اصولیان عمل به علم یا عمل به آن احادیث را جایز نمی‌دانند اگرچه آن احادیث صحیح و صریح و حتی متواتر باشند، بلکه معتقدند چنین فردی باید به مجتهد رجوع کند اگر چه فاصله آن مجتهد یک سال یا حتی ده سال باشد، و باید به ظن مجتهد عمل کند اگر چه مخالف آن احادیث و مخالف احتیاط باشد، ولی اخباریان عمل به احادیث مفید علم را واجب می‌دانند (عاملی، ۴۴۹؛ سماهیجی، ۳۸۸/۴؛ زند، ۲۷).

۲۳. ارزش علم و یقین حاصل از احادیث برای مقلد در برابر ظن مجتهد اگر چه جاهل به احادیث باشد: مجتهدان ترک علم و یقین مقلدی که حاصل از احادیث باشد و رجوع این مقلد به ظن مجتهد اگر چه جاهل به احادیث باشد را واجب می‌دانند، ولی اخباریان ترک علم و عمل به ظن را جایز نمی‌دانند (عاملی، ۴۴۹؛ زند، ۲۷).

این ۲۳ مورد فرق‌هایی است که حر عاملی ذکر کرده و در پایان بیان می‌کند: امثال این وجوه بسیارند و این فرق‌ها مبتنی بر نظر اکثریت در هر یک از دو گروه اخباری و اصولی است (همان، ۴۴۹).

اولین اثر اصولی بیان‌کننده فرق‌ها

پس از حر عاملی اخباریان دیگری به بررسی وجوه فرق بین اخباری و اصولی پرداخته‌اند که برخی از وجوه در ارجاعات مطالب گذشته ذکر شد. اما اولین فقیهی که منتسب به اصولیان است و در ضمن ارائه مباحث اصولی به وجوه فرق بین اخباریان و اصولیان پرداخته، کاشف الغطا است.^۹ خلاصه فرق‌هایی که وی ذکر می‌کند عبارتند از:

۹. برای آشنایی با فرق‌هایی که اصولیان در این مورد ذکر کرده‌اند مطالب کاشف الغطا به صورت جداگانه ذکر شده است. وی در کتاب حق‌المبین به طور مفصل به ارائه دلیل بر اثبات ادعای اصولیان می‌پردازد. بیان فرق‌ها توسط وی به صورت شماره‌گذاری شده و منسجم نیست که به جهت سهولت کار در این نوشته خلاصه و منسجم ارائه می‌گردد.

۱. حجیت عقل: مجتهدان معتقدند عقل، حسن و قبح اعمال را درک می‌کند؛ فعل حسن را مستحق مدح، و فعل قبیح را مستحق ذم می‌داند، بنابراین عقل در اصول و فروع حجت است (کاشف الغطاء، ۵). ولی اخباریان با وجود پذیرش ادراک عقل از حسن و قبح، حجیت حکم مستقل عقل در مورد حکم شرعی را منکرند (دزفولی، ۴؛ قیصری، ۱۶۲/۷) و تنها الفاظ کتاب و سنت را حجت می‌دانند (کاشف الغطاء، ۷).
۲. حجیت اصل اباحه^{۱۰}: مجتهدان در اموری که حرمتشان مشکوک است به استناد اصل اباحه قائل به اباحه‌اند ولی اخباریان به استناد اصل حرمت، اعتقاد به حرمت موضوع مشکوک دارند (کاشف الغطاء، ۹ و ۱۰؛ ماحوزی، ۳۷۵؛ سماهیجی، ۳۹۶/۴؛ دزفولی، ۶).
۳. حجیت اصل براءت: اصولیان در مواردی که حکم مشکوک است به استناد اصل براءت، حکم به عدم تکلیف می‌کنند. ولی انکار این مطلب به محمد امین استرآبادی نسبت داده شده است (کاشف الغطاء، ۱۰؛ علی اخباری). برخی در این مورد نظر اخباریان را فقط عدم حجیت اصل براءت در مورد شبهه حکمیة تحریمیة معرفی کرده‌اند (جزائری، ۵۴؛ ماحوزی، ۳۷۴؛ سماهیجی، ۳۹۴/۴؛ دزفولی، ۵؛ قیصری، ۱۶۲/۷).
۴. حجیت اصل عدم: مجتهدان اصل عدم را حجت می‌دانند، ولی اخباریان منکر حجیت آن هستند (کاشف الغطاء، ۱۰).
۵. حجیت اصل استصحاب: همه مجتهدان غیر از افراد محدودی اصل استصحاب را حجت می‌دانند برخلاف اخباریان که این اصل را حجت نمی‌دانند (کاشف الغطاء، ۱۰).
۶. حجیت ظاهر آیات قرآن: اخباریان ظاهر آیات قرآن بدون تفسیر معصومان را حجت نمی‌دانند. حر عاملی این مورد را در فرق شانزدهم الفوائد الطوسیة ذکر کرده است، ولی شیخ جعفر کاشف الغطاء از این فراتر رفته و بیان می‌کند برخی اخباریان الفاضلی مانند الله، رحمن، ابلیس و... را نیز از مجملات و متشابهات می‌دانند و تنها روایات ائمه را مفسر قرآن می‌دانند نه روایات نبوی را (کاشف الغطاء، ۱۲). در مقابل، اصولیان معتقدند ظواهر کتاب بدون تفسیر ائمه نیز حجت است (کاشف الغطاء، ۱۹).
۷. حجیت اخبار نبوی: اخباریان معتقدند احادیث پیامبر مانند قرآن دارای مجمل و متشابه و ناسخ و منسوخ است و بدون تفسیر ائمه حجت نیستند، ولی اصولیان فرقی بین احادیث

۱۰. کاشف الغطاء حجیت اصل اباحه، اصل براءت، اصل عدم و استصحاب را در ضمن دلیل عقل ذکر می‌کند و مدعی است این چهار اصل در نگاه اخباریان از مهم‌ترین اقسام دلیل عقل هستند (کاشف الغطاء، ۹). با توجه به هدف تحقیق حاضر به ذکر جداگانه هر کدام و اختلاف اخباریان و اصولیان در این مورد پرداخته شده.

پیامبر و ائمه قائل نیستند (کاشف الغطاء، ۲۱).

۸. علمی الصدور بودن روایات بیان‌گر احکام: اخباریان تمام اخباری که پشتوانه احکام هستند را علمی الصدور می‌دانند، ولی اصولیان این اخبار را به دو قسم ظنی الصدور و علمی الصدور تقسیم می‌کنند (کاشف الغطاء، ۲۲).

۹. حجیت اجماع: اصولیان اجماع را حجت می‌دانند ولی اخباریان حجت نمی‌دانند و حتی برخی اخباریان وقوع آن و برخی علم به آن را غیر ممکن می‌دانند (کاشف الغطاء، ۴۳-۵۱؛ دزفولی، ۶). برخی در مورد تفاوت نظر اخباریان و اصولیان در حجیت اجماع گفته‌اند: اصولیان اجماع بدون سند را حجت می‌دانند، اما اخباریان اجماع با سند را حجت می‌دانند (علی اخباری).

۱۰. حجیت قیاس منصوص العله، قیاس اولویت و تنقیح مناط: اصولیان این موارد را حجت می‌دانند ولی اخباریان و برخی اصولیان حجت نمی‌دانند (کاشف الغطاء، ۵۲). در مورد قیاس منصوص العله و قیاس اولویت فرقی بین مطالب این کتاب و مطالب الفوائد الطوسیه که گذشت وجود ندارد، اما در مورد تنقیح مناط، افراد دیگری نیز این نسبت را به اخباریان داده‌اند (دزفولی، ۲۸؛ قیصری، ۱۶۲/۷؛ تشیع، ۱۱/۲؛ حسینی، ۶۲۲/۱).

۱۱. مبحث اجتهاد و تقلید: اصولیان رجوع عوام به مجتهد را برای اخذ احکام شرعی جایز می‌دانند ولی اخباریان مرجع عالم و عامی را معصومان(ع) می‌دانند (کاشف الغطاء، ۵۴).

۱۲. نقص قرآن: اخباریان قائل به نقص قرآن هستند ولی اصولیان قرآن را کامل و مصون از تحریف می‌دانند (کاشف الغطاء، ۵۶).

۱۳. اعتبار علم اصول: اصولیان علم اصول را از مقدمات اجتهاد می‌دانند ولی اخباریان علم اصول را انکار کرده و بر اصولیان به دلیل تمسک به علم اصول طعن وارد کرده‌اند و آنان را بدعت‌گذار خوانده‌اند (کاشف الغطاء، ۸۵).

۱۴. حجیت روایات: اخباریان تمام روایات حتی روایات کتب محجوره را قابل اعتماد می‌دانند (کاشف الغطاء، ۷۶)، در حالی که اصولیان با بررسی رجالی احادیث، احادیث را به چهار قسم، تقسیم می‌کنند. در برخی از کتبی که به این فرق اشاره شده، آمده است: اخباریان، همه روایات کتب اربعه را متواتر و نص در احکام می‌دانند (جزائری، ۴۲). برخی قول به صحت تمام روایات کتب اربعه را به اخباریان نسبت داده‌اند (قیصری، ۱۶۲/۷؛ تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۵) و برخی از حکم صحت، روایاتی را که تصریح بر ضعف یا تواتر یا استفاضه‌اش

شده است را استثناء کرده‌اند (ماحوزی، ۳۷۵؛ سماهیجی، ۳۹۷). برخی این فرق را به تعبیر دیگری بیان کرده‌اند: اخباریان یکی از این دو کار را واجب می‌دانند، یا تحصیل اصول اربعمأة و یا حسن ظن و حتی یقین به محمدون ثلاث، ولی اصولیان هیچ‌یک از این دو را واجب نمی‌دانند (دزفولی، ۷۵).

پس از ذکر تفاوت‌های اخباریان و اصولیان از اولین کتبی که علمای هر یک از دو گروه در آن به طرح این مبحث پرداخته‌اند^۱، به ذکر سایر تفاوت‌های ادعایی در دیگر کتب پرداخته خواهد شد.

فرق‌های ذکر شده در سایر آثار

بسیاری از تفاوت‌های ذکر شده در این کتب، همسان و یا شبیه به هم هستند، لذا همان‌طور که بیان شد به جهت جلوگیری از اطناب و تکرار مطالب، در ادامه این نوشته، فرق‌ها به صورت پیوسته و از چند منبع ذکر می‌گردد.

۱. برخی از اخباریان مانند استرآبادی تأخیر بیان از وقت حاجت را جایز می‌دانند ولی مجتهدان بر ممنوع بودن آن اتفاق نظر دارند. (دزفولی، ۴؛ ماحوزی، ۳۷۴؛ سماهیجی، ۳۹۶؛ تشیع، ۱۰/۲، حسینی، ۶۲۵/۱)

۲. اخباریان به تصحیح خبر توسط غیر عمل می‌کنند ولی اصولیان عمل نمی‌کنند و این را نوعی تقلید می‌دانند. (دزفولی، ۶)

۳. اصولیان احادیث را به چهار نوع صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌کنند، ولی اخباریان احادیث را به دو نوع صحیح و ضعیف تقسیم می‌کنند (دزفولی، ۶؛ ماحوزی، ۳۷۵؛ سماهیجی، ۳۸۵/۴؛ قیصری، ۱۶۲/۷؛ تشیع، ۹/۲، حسینی، ۶۲۳/۱).

۴. مجتهد به ظن عمل می‌کند ولی اخباری جز به علم عمل نمی‌کند (دزفولی، ۶؛ سماهیجی، ۳۸۵؛ قیصری، ۱۶۲/۷) برخی علت عمل به ظن مجتهدان را منسد بودن باب علم

۱. در کتاب حق‌المبین به بیان نظریات فقهی و اصولی اخباریان و اصولیان پرداخته شده است ولی با بررسی انجام شده آنچه به عنوان فرق اخباری و اصولی در زمینه اصول مطرح شده و می‌توان به عنوان ملاک تشخیص اخباری از اصولی به آن نگریست همین موارد است. در این کتاب چندین صفحه به ذکر برخی از آراء علما منتسب به اخباریان، تحت عنوان احکام غریبه و أقوال منکره عجیبه پرداخته شده است، از جمله: تحریم جمع بین دو زوجه فاطمی، وجوب ذکر هنگام طلوع و غروب، طهارت خمر، مستحق خمس بودن اولاد دختران هاشمی، وجوب غسل جمعه و باتوجه به این‌که این موارد مربوط به آراء فقهی است و نمی‌توان با یک اختلاف نظر فقهی به ملاک تشخیص اخباری از اصولی رسید، علاوه بر این‌که اختلافات فقهی خود ناشی از اختلافات اصولی است، لذا از ذکر اختلاف نظرهای فقهی در این نوشته خودداری شده است.

نزد ایشان معرفی کرده‌اند (علی اخباری).

۵. اصولیان معتقدند مخالفت معلوم النسب در اجماع خللی وارد نمی‌کند، ولی اخباریان به این قاعده اعتبار نمی‌نهند (دزفولی، ۷؛ سماهیجی، ۳۹۶/۴).

۶. مجتهدان طلب علم در زمان حضور معصومان را از طریق اخذ از معصوم و در در زمان غیبت از طریق اجتهاد می‌دانند، ولی اخباریان فرقی بین این دو زمان نمی‌گذارند، بلکه حلال محمد را تا روز قیامت حلال و حرامش را حرام می‌دانند (دزفولی، ۸؛ سماهیجی، ۳۸۶).

۷. اصولیان مردم را به دو صنف مجتهد و مقلد تقسیم می‌کنند ولی اخباریان همه مردم را مقلد معصومان می‌دانند. (دزفولی، ۹؛ سماهیجی، ۳۸۶/۴؛ قیصری، ۱۶۲/۷؛ تشیع، ۹/۲؛ حسینی، ۶۲۳/۱).

۸. مجتهدان به غیر مجتهد اجازه تولی امور حسبه را نمی‌دهند (دزفولی، ۹) برخی به این نسبت صدور فتوا (تشیع، ۹/۲؛ حسینی، ۶۲۳/۱) و برخی دیگر تولی قضاوت را نیز افزوده‌اند (سماهیجی، ۳۸۶/۴)، ولی اخباریان به هرکسی که راوی حدیث و مطلع از احکام باشد چنین اجازه‌ای می‌دهند.

۹. اصولیان، مجتهد را به دو نوع مطلق و متجزی تقسیم می‌کنند، ولی اخباریان غیر از معصوم همه را متجزی می‌دانند (دزفولی، ۱۰؛ سماهیجی، ۳۸۶/۴؛ تشیع، ۹/۲؛ حسینی، ۶۲۳/۱).

۱۰. به نظر مجتهدان شرط رسیدن به مقام فتوا دانستن علوم کلام، اصول، نحو، صرف، لغت عرب، منطق و منابع اربعه فقه است و برخی این مقدمات را تا پانزده علم برشمرده‌اند، ولی اخباریان فقط شناخت کلام عرب که شامل قسمتی از صرف و نحو است و شناختن اصطلاحات معصومان در جایی که فهم کلامشان متوقف بر آن است را شرط مقام فتوا می‌دانند. (دزفولی، ۱۰؛ سماهیجی، ۳۸۷/۴؛ تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۳/۱).

۱۱. مجتهدان در فتوا قدرت بر تفریع از اصل را شرط می‌دانند و کسی که فاقد این توانایی باشد را واجب التقلید می‌دانند اگر چه به معنای حدیث قطع پیدا کند. ولی اخباریان فهم معنای حدیث را شرط می‌دانند از هر شخصی که باشد (دزفولی، ۱۱).

۱۲. مجتهدان با استناد به حدیث ضعیف (تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۴/۱) و حتی با استناد به فتوای مجتهد دیگری که دلیلی بر فتوایش نیست حکم به استحباب یا کراهت می‌کنند، ولی اخباریان فرقی بین احکام خمسه قائل نیستند (دزفولی، ۱۲).

۱۳. مجتهدان منابع فقه را چهار منبع می‌دانند، کتاب، سنت، اجماع و عقل، ولی اخباریان

فقط کتاب و سنت را منبع فقه می‌دانند و برخی فقط سنت را (دزفولی، ۱۳؛ سماهیجی، ۳۸۴/۴؛ علی اخباری؛ قیصری، ۱۶۲/۷؛ تشیع، ۹/۲؛ حسینی، ۶۲۲/۱).

۱۴. مجتهدان قائل به جواز اجتهاد هنگام تعذر قول معصوم هستند ولی اخباریان رجوع به معصوم را در هر حالی واجب می‌دانند. (دزفولی، ۱۳؛ سماهیجی، ۳۸۹/۴).

۱۵. مجتهدان معتقدند اگر فتوای مجتهد مطابق با واقع باشد دو اجر دارد ولی اگر مطابق با واقع نباشد یک اجر دارد، ولی اخباریان معتقدند مجتهد در هر حالت گناهکار است، اگر به واقع برسد، بدون علم مطلبی را به خداوند نسبت داده است و اگر به واقع نرسد به خداوند دروغ بسته است (دزفولی، ۱۴؛ کرکی، ۶؛ منیه، ۳۹۰/۴؛ علی اخباری؛ تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۴/۱).

۱۶. مجتهدان اخذ احکام فقهی از قواعد اصولی را صحیح می‌دانند، ولی اخباریان در اصول و فروع رجوع به احادیث را واجب می‌دانند (دزفولی، ۱۵). برخی از اخباریان معتقدند قواعد اصولی پایه‌گذاری شده توسط علما اهل سنت است. (سماهیجی، ۳۹۱/۴)

۱۷. مجتهدان معتقدند اخذ عقاید از قرآن و خبر واحد جایز نیست، (دزفولی، ۱۶؛ سماهیجی، ۳۹۲/۴) ولی اخذ احکام از کتاب و سنت جایز است ولی اخباریان عکس این عقیده را دارند (تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۴/۱).

۱۸. مجتهدان اختلاف نظر در مسائل شرعی را جایز می‌دانند و همدیگر را تفسیق نمی‌کنند زیرا مناظرات اجتهاد نزدشان ظن است و احتمال صحت قول دیگری و خطای خود مجتهد وجود دارد، ولی اخباریان اختلاف نظر را جایز نمی‌دانند و کسانی که بر خلاف حق سخنی بگویند را تفسیق می‌کنند (فاروق، ۱۶؛ سماهیجی، ۳۹۲/۴).

۱۹. مجتهدان معتقدند علمای شیعه در زمان غیبت همه جزء مجتهدانند، از کلینی تا شهید ثانی ولی اخباریان کلینی و صدوق و ... را از اخباریان می‌دانند.

۲۰. مجتهدان ثقه را کسی می‌دانند که امامی، عدل و ضابط باشد اما اخباریان به کسی ثقه می‌گویند که در نقل حدیث مورد اعتماد، و مامون از کذب باشد و امامی بودن و عدالتش شرط نیست (دزفولی، ۱۸؛ سماهیجی، ۳۹۴/۴؛ تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۴/۱).

۲۱. مجتهدان اطاعت از فقیه را مانند اطاعت از امام واجب می‌دانند، ولی اخباریان فقط اطاعت از امام را واجب می‌دانند و اطاعت از فقیه را تنها در صورتی که آخذ از امام باشد جایز می‌دانند (دزفولی، ۱۸؛ سماهیجی، ۳۹۴/۴).

۲۲. مجتهدان در حالت تعارض دو خبر، ترجیح به برائت اصلیه را جایز می‌دانند، ولی اخباریان جایز نمی‌دانند (دزفولی، ۲۱؛ ماحوزی، ۳۷۵؛ سماهیجی، ۳۹۶/۴؛ قیصری، ۱۶۲/۷).
۲۳. مجتهدان در معنای فقه گفته‌اند: علم به احکام شرعی فرعی که از طریق استدلال به دست می‌آیند. با این تعریف ضروریات دین مانند نماز و روزه و حج و ... که نیاز به اثبات ندارند از حیطة فقه خارج می‌شوند، ولی اخباریان همه احکام را نیازمند اثبات می‌دانند (دزفولی، ۲۱؛ جزائری، ۴۱).
۲۴. مجتهدان خبر واحد مخالف قاعده کلی را رد و یا بدون دلیل تاویل می‌کنند ولی اخباریان به آن عمل می‌کنند.
۲۵. اخباریان به ظاهر هر حدیثی که به آن‌ها برسد عمل می‌کنند و اگر حدیث دیگری قرینه باشد برای آن حدیث، با آن معامله تعارض می‌کنند، ولی اصولیان چنین نمی‌کنند (دزفولی، ۲۵).
۲۶. مجتهدان حکم مطلق را بر حکم مقید حمل می‌کنند خواه در حکم وجوبی باشد یا غیر وجوبی (دزفولی، ۲۶) اما در مندوبات بر طبق مطلق و مقید عمل می‌کنند (همان، ۲۷) ولی برخی از اخباریان فرقی بین واجب و مستحب قائل نیستند و مطلق را بر مقید حمل نمی‌کنند (همان، ۲۸).
۲۷. مجتهدان قواعد مسلمی در فقه دارند، مانند قاعده انفساخ در تلف مبیع قبل از قبض، که برخی از این قواعد هیچ نصی در موردشان نیست و مجتهدان حکم این موارد را به سایر موارد سرایت می‌دهند، ولی اخباریان این شیوه را استقراء ناقص و مردود دانسته‌اند (همان).
۲۸. اخباریان در هنگام تعارض عقل و نقل، نقل را مقدم می‌کنند، ولی اصولیان در این حالت عقل را مقدم می‌کنند (دزفولی، ۲۹).
۲۹. اخباریان شهرت را جابر ضعف سند نمی‌دانند، ولی اصولیان شهرت را دارای چنین اعتباری می‌دانند (همان، ۳۰).
۳۰. تعبد به الفاظ حدیث نزد اخباریان واجب است، ولی اصولیان چنین تعبدی را واجب نمی‌دانند (همان).
۳۱. اخباریان طرح و تساقط اخبار را نفی می‌کنند، ولی اصولیان طرح و تساقط را به صورت موجهه جزئیة قبول می‌کنند (همان).
۳۲. مجتهدان انصراف از ظاهر را معتبر می‌دانند ولی اخباریان به اطلاق لفظ در هر شرایطی

عمل می‌کنند و انصراف را معتبر نمی‌دانند (همان).

۳۳. مجتهدان در مواردی که حکمی مخالف با اصول است به قدر متیقن از آن حکم عمل می‌کنند، ولی اخباریان اخذ به قدر متیقن را دلیل یا اماره نمی‌دانند (همان، ۳۱).

۳۴. اخباریان اصول لفظیه و شکی که باعث نیاز به این اصول است را رد می‌کنند و دلالت الفاظ را قطعی می‌دانند ولی مجتهدان به اصول لفظیه اعتبار می‌نهند (همان).

۳۵. مجتهدان، عامی که با اصول و قواعد کلی موافق باشد را بر خاصی که معارض با این اصول و قواعد باشد مقدم می‌دانند ولی اخباریان در این شرایط به خاص عمل می‌کنند (همان، ۳۲).

۳۶. اخباریان در حالت تعارض، مرجحات سندی را مقدم می‌دارند ولی مجتهدان علاج عرفی را مقدم بر مرجحات سندی می‌دانند (همان؛ تشیع، ۱۱/۲؛ حسینی، ۶۲۶/۱).

۳۷. اخباریان با کمترین اماره ظنی‌ای مدعی صحت حدیث می‌شوند، ولی اصولیان با بررسی سندی حکم به صحت یا عدم صحت خبر می‌کنند (دزفولی، ۳۳).

۳۸. اخباریان تفکر در دلالت حدیث را نوعی تاویل به حساب می‌آورند، ولی مجتهدان تفکر در دلالت حدیث را جایز می‌دانند. (همان، تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۶/۱)

۳۹. مجتهدان در بسیاری از احکام از موارد جزئی حکم کلی می‌گیرند و آن را به عنوان قاعده ماخوذه از نص معتبر می‌دانند، ولی اخباریان قاعده کلی برداشت نمی‌کنند مگر در جایی که نص عامی در کار باشد (دزفولی، ۳۴).

۴۰. اخباریان معتقدند منظور از تفریع که در کلام معصومان به آن امر شده است تفریع از اصول و قواعد کلیه ایست که از معصومان (ع) رسیده است ولی اصولیان معتقدند مراد از تفریع استنباط است (همان، ۳۵؛ جزائری، ۸۲).

۴۱. اخباریان اصولی را جاری می‌کنند که شخص مشافه جاری می‌کند زیرا اخباریان خطاب را خاص مشافه نمی‌دانند ولی اصولیان معتقدند شخص غائب قابل خطاب نیست (دزفولی، ۴۲).

۴۲. اصولیان به شش دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کسانی که تعبد به ظن را صحیح نمی‌دانند ۲. کسانی که وقوع ظن را نفی می‌کنند (همان، ۴۲) ۳. کسانی که قائل به ظن خاص اطمینانی یا قطعی هستند ۴. کسانی که قائل به ظن مطلق‌اند (همان، ۴۹) ۵. کسانی که قائل به اطمینان‌اند ۶. کسانی که قائل به ظن طریقی‌اند. ولی اخباریان به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کسانی که مانند

گروه اول اصولیان تعبد به ظن را صحیح نمی‌دانند ۲. کسانی که وقوع ظن را نفی می‌کنند ومدعی‌اند باب علم واقعی یا اصلی مفتوح است ۳. کسانی که استنباطات لفظی ظنی را جایز می‌دانند (همان، ۵۶).

۴۳. برخی از مجتهدان از مثال‌هایی که در روایت آمده تجاوز می‌کنند و مثال‌های دیگری را بر حکم می‌افزایند ولی اخباریان به مثال‌های نص بسنده می‌کنند (همان).

۴۴. بسیاری از مجتهدان فرقی بین حالتی که بدانند نجاست یا حرمت محصور در دو یا چند چیز است و حالتی که علم به حرمت یا نجاست نداشته باشند قائل نیستند و حکم حالت دوم را در مورد حالت اول جاری می‌کنند (همان، ۵۹).

۴۵. جمعی از مجتهدان استصحاب را بر اصل صحت مقدم داشته‌اند ولی اخباریان اصل صحت را بر استصحاب مقدم می‌دارند (همان، ۶۰).

۴۶. برخی مجتهدان گاهی از طریق استقراء ناقص احکام جزئی، حکم کلی بیان می‌کنند و یا حکم می‌کنند به ظاهر عام، بدون فحص از مخصص و اگر روایت صریحی با این احکام تعارض کند آن روایت را کنار می‌گذارند، ولی اخباریان این‌گونه حکم کردن را صحیح نمی‌دانند (همان، ۶۱).

۴۷. اخباریان احتیاط در اجزاء و شرایط عبادات را واجب می‌دانند ولی اصولیان احتیاط را در این مورد واجب نمی‌دانند (همان، ۶۳).

۴۸. اخباری و اصولی احتیاط را راجح می‌دانند، ولی اگر کسی که تابع هیچ‌یک از دو فرقه نیست به احتیاط عمل کند، اخباری عملش را تایید می‌کند و اگر به احتیاط عمل نکند اصولی عملش را تایید می‌کند (همان، ۶۴).

۴۹. اخباریان در صورت تکافؤ دو نص به طور مطلق حکم به احتیاط می‌کنند، ولی برخی از اصولیان خبر موافق با اصل را مقدم می‌دارند و برخی خبر مخالف اصل را و برخی نیز حکم به تخییر می‌کنند (همان، ۶۸).

۵۰. اخباریان احتیاط در تکلیف موهوم را نفی می‌کنند ولی اصولیان ثابت می‌دانند (همان، ۶۹).

۵۱. جماعتی از مجتهدان در شبهه غیر محصوره حکم به احتیاط می‌کنند (همان، ۷۱).

۵۲. اخباریان در عبادات و معاملات صحیحی و احتیاطی‌اند ولی اصولیان برخی اعمی و برائتی هستند برخی دیگر صحیحی و برائتی و برخی نیز صحیحی و اشتغالی‌اند (همان، ۷۶).

۵۳. اگر یک لفظ فقط یک بار در معنایی به کار رفته باشد اخباریان در سایر موارد نیز آن لفظ را در همان معنا به کار می‌برند، مثلاً «جزء» را در نذر به معنای یک دهم در نظر می‌گیرند زیرا در وصیت در این معنا به کار رفته است. (همان، ۷۵)
۵۴. اخباریان اصول لفظیه را در مورد الفاظ کتاب جاری نمی‌کنند، ولی اصولیان در تمام الفاظ جاری می‌دانند (همان، ۸۶).
۵۵. مجتهدان خبری که حکمتش معلوم نباشد را شاذ می‌دانند و آن را کنار می‌گذارند ولی اخباریان این مطلب را صحیح نمی‌دانند (همان، ۸۷؛ تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۵/۱).
۵۶. اصولیان لحن الخطاب را حجت می‌دانند ولی اخباریان حجت نمی‌دانند (جزائری، ۴۴).
۵۷. اصولیان اولین واجب را معرفت خداوند می‌دانند ولی اخباریان شهادتین. (همان، ۵۲).
۵۸. مجتهدان اکثر احکام فقه را از باب ظنون می‌دانند، ولی اخباریان معتقدند همه احکام فقهی قطعی‌اند (همان، ۶۴).
۵۹. مجتهدان حدیث صحیح را روایتی می‌دانند که امامی عدل ثقه از مانند خودش تا معصوم نقل کند و حدیث حسن را حدیثی می‌دانند که روایت یا یکی از روای آن امامی ممدوح باشد و نص بر ثقه بودنش نباشد و در نگاهشان موثق حدیثی است که روایت یا یکی از روایانش موثق غیر امامی باشد و حدیث ضعیف سایر احادیث است، ولی اخباریان صحیح را حدیثی می‌دانند که به طور صحیح از معصوم نقل شده باشد که دارای مراتبی است، گاهی متواتر است و گاهی خبر واحد محفوف به قرائنی مانند مطابقت با قرآن، اجماع، احادیث دیگر و یا سایر قرائن دیگر است که موجب علم به صدور می‌گردد و گاهی در کتب صحیح و معتبر نزد امامیه آمده و سایر احادیث در نگاه اخباریان ضعیف‌اند (سماهیجی، ۳۸۵/۴).
۶۰. مجتهدان امور را دو دسته می‌دانند: امری که دلیلش واضح است ولو به صورت ظنی که باید به آن عمل شود و امری دلیلش مخفی است که باید به اصل عمل نمود و احتیاط واجب نیست، اما اخباریان امور را سه دسته می‌دانند: امری که بین الرشده است و باید تبعیت شود، امری که بین الغی است و باید ترک شود، و مواردی که بین این دو حالت‌اند که در موردشان باید احتیاط کرد (همان، ۳۹/۴).
۶۱. مجتهدان اخذ عقاید از ادله متکلمان را جایز می‌دانند هرچند که موافق با احادیث نباشد ولی اخباریان این را جایز نمی‌دانند (همان، ۳۹۱/۴).
۶۲. اگر فقیهی به حدیث دست پیدا نکند، مجتهدان رجوع یک مجتهد به مجتهد دیگر، که

از نظر علمی با وی همسان یا از وی ضعیف‌تر است، را منع می‌کنند و واجب می‌دانند که به علم و قواعد خودش رجوع کند، ولی در این شرایط اخباریان بر فقیه واجب می‌دانند که در مورد حکم شرعی فحص کند و از دیگران حتی شاگرد خود و فرد عامی طلب حدیث کند و عمل به رأی را در این مورد جایز نمی‌دانند (همان، ۳۹۳/۴).

۶۳. مجتهدان رجوع به قواعد اصول فقه، که علما عامه آن را استنباط کرده‌اند، واجب می‌دانند، ولی اخباریان این را جایز نمی‌دانند (همان، ۳۹۷/۴).

۶۴. مجتهدان معتقدند احکام دو قسم است: ظاهری و باطنی، ولی اخباریان معتقدند حکم واحد از جانب خداوند واحد آمده است (علی اخباری).

۶۵. اکثر مجتهدان شهادت یک شاهد عادل را برای تزکیه راوی کافی می‌دانند، ولی اخباریان نه تنها دو شاهد عادل را لازم می‌شمرند بلکه تا قطع به صدور خبری از معصوم نکنند آن را حجت نمی‌دانند (تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۵/۱).

۶۶. مجتهدان در اموری که نص آن خفی باشد رجوع به غیر معصوم را جایز نمی‌دانند، اما اخباریان طلب سند و حدیث را از هر مسلمان و حتی سنی جایز می‌دانند (تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۴/۱).

۶۷. مجتهدان اطاعت عوام از مجتهد در فروع دین را مثل اطاعت از امام حی حاضر واجب می‌دانند، اما اخباریان آن را واجب نمی‌دانند (تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۵/۱).

۶۸. اکثر مجتهدان عمل به اجماع منقول را گرچه از متاخرین فقها بلکه غیر فقها، اگر موثق باشند، نقل شده باشد را جایز می‌دانند، برخلاف اخباریان (تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۵/۱).

۶۹. اخباریان ادله عقلی مانند قبح تکلیف بما لایطاق و قبح عقاب عقاب بلا بیان را کافی برای صدور حکم نمی‌دانند مگر آن که با اخباری از ائمه تأیید شده باشد، ولی مجتهدان این ادله را برای صدور حکم کافی می‌دانند (تشیع، ۱۰/۲؛ حسینی، ۶۲۵/۱).

فرق‌هایی که تاکنون ذکر گردید تقریباً تمام فرق‌های ادعایی بین اخباریان و اصولیان است که با حذف موارد تکراری باز هم بیش از صد فرق است، البته بسیاری از این فرق‌ها متداخل هستند و یا بیان‌کننده یک مضمون‌اند، مانند چهاردهمین فرق از کتاب الفوائد الطوسیة و دومین فرق از فرق‌هایی که به صورت پیوسته ذکر شد، که هر دو مورد اشاره به این دارند که اخباریان قول محمدون ثلاث بر صحت روایات کتب خود را معتبر می‌دانند ولی اصولیان خودشان به بررسی صحت یا عدم صحت روایات این کتب می‌پردازند و هم‌چنین فرق سوم،

بیستم و پنجاه و نهم از فرق‌هایی که به صورت پیوسته ذکر شد، اشاره به تفاوت تعریف اخباریان و اصولیان از انواع حدیث دارند و... در همین زمینه بحرانی بیان می‌کند: سماهیجی در منیه ۴۳ فرق بین اخباری و اصولی ذکر کرده است^{۱۲} (بحرانی، در، ۲۸۷/۳) اما این مطالب تطویل بلا طائل است (همان، ۳۹۰/۳). وی با منسجم کردن فرق‌ها مجموع فرق‌هایی که بین اخباری و اصولی برمی‌شمرد ۸ فرق است که اکثر آن‌ها را رد می‌کند.

بر آشنایان به مطالب فقهی و اصولی پنهان نیست که بررسی حقانیت یکی از دو گروه در هریک از فرق‌های پیش‌گفته، نیاز به نوشته‌ای مستقل دارد و حتی بررسی واقعی بودن یا واقعی نبودن تک‌تک فرق‌هایی که ذکر شده نیز از حد این مقاله بیرون است، لذا با دسته‌بندی فرق‌ها سعی در تمییز فرق‌هایی که می‌توان از آن‌ها به عنوان ملاک استفاده کرد و فرق‌هایی که چنین قابلیت ندارند، خواهد شد.

دسته بندی فرق‌ها

۱. فرق‌هایی که در آن، نظریه‌ای به برخی، جماعتی یا بسیاری از فقهای یک گروه نسبت داده شده است، نه به تمام فقهای آن گروه. این فرق‌ها به جهت این که فرق قطعی بین تمام اخباریان و تمام اصولیان نیست، نمی‌توان از آن‌ها ملاک قطعی برای تمییز اخباریان و اصولیان نیز به دست آورد. مانند فرق ۱۲ از الفوائد الطوسیه، فرق ۳ و ۱۰ از حق المبین و فرق ۱، ۲۶، ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۱، ۵۲، ۵۳ از فرق‌هایی که به صورت پیوسته ذکر شد. در مواردی با این که فرق گذار، نظریه‌ای را به همه افراد یک گروه نسبت داده است، اما موارد استثناء در آن گروه زیاد یافت می‌شود، مانند فرق ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۱۹، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ از کتاب الفوائد الطوسیه، فرق ۲، ۳، ۴، ۱۳ و ۱۴ از فرق‌های کتاب حق المبین و فرق ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۹، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۰، ۶۳، ۶۶ و ۶۸ از فرق‌هایی که به طور پیوسته ذکر شده است^{۱۳}. بسیاری از فرق‌هایی که ذکر شد جزء این دسته قرار می‌گیرند، شاهد این ادعا مطلبی است که شیخ حر عاملی پس از ذکر تفاوت‌های اخباریان و اصولیان در کتاب الفوائد الطوسیه

۱۲. نسخه خطی منیه الممارسین در کتابخانه مجلس و هم‌چنین کتاب میراث اسلامی ایران ۳۸۴/۴-۳۹۷. چهل فرق بین اخباری و اصولی ذکر کرده‌اند و ممکن است محقق بحرانی در اینجا دچار سهو قلم شده باشد.

۱۳. هرچند در این فرق‌ها، نظریه‌ای به تمام فقهای یک گروه نسبت داده شده است اما در هر مورد مثال‌های نقضی وجود دارد که بیان تک‌تک آن‌ها در این نوشتار نمی‌گنجد.

بیان می‌کند: این فرق‌ها مبتنی بر نظر اکثریت در هر یک از دو گروه اخباری و اصولی است (عاملی، ۴۴۹). حتی در برخی موارد، تنها به استناد نظریه یک فرد از منسوبان به یک گروه، آن نظریه را منسوب به آن گروه و به عنوان وجه فرق بین دو گروه ذکر شده است، مانند اعتقاد به جواز تاخیر بیان از وقت حاجت که تنها قائل یافت شده آن استرآبادی است (استرآبادی، ۲۴۵) و یا نظریه تحریف قرآن، که با وجود نسبت دادن آن به تمام اخباریان، برخی معتقدند هیچ‌یک از منتسبان به این گروه چنین نظریه‌ای ابراز نداشته‌اند (معرفت، ۹۵/۱) البته حق چیزی بین این دو نسبت است، زیرا برخی از منتسبان به اخباری‌گری قول به تحریف قرآن ابراز داشته‌اند (محمدتقی مجلسی، روضه، ۲۰/۱۰؛ محمد باقر مجلسی، مرآة، ۵۲۵/۱۲؛ بحرانی، درر، ۶۶/۴) و برخی آن را رد کرده‌اند، علاوه بر این با وجود نفی این نظریه از تمام اصولیان برخی اصولیان مانند ملا مهدی نراقی و ملا احمد نراقی نیز قائل به تحریف قرآن شده‌اند (بهشتی، ۳۰۴). بنابراین بسیاری از فرق‌های پیش‌گفته بیان‌گر تفاوت همه اخباریان با همه اصولیان نبوده و به عنوان ملاک تمییز این دو گروه قابل استفاده نیستند.

۲. فرق‌هایی که در آن فرق‌گذاران، مطالب را به چند شکل متفاوت به یک گروه نسبت داده‌اند. این‌گونه فرق‌ها نیز نمی‌تواند بیان‌کننده ملاک تمییز باشد زیرا به طور دقیق مشخص نیست، کدام مطلب صحیح است و به تبع آن ملاک تمییز ناشناخته باقی می‌ماند، مانند فرق چهاردهم از فرق‌هایی که به نحو پیوسته ذکر شد، که برخی به اخباریان نسبت داده‌اند که روایات کتب اربعه را متواتر و نص در احکام می‌دانند، برخی دیگر اعتقاد به صحت تمام روایات کتب اربعه را به اخباریان نسبت داده‌اند و عده‌ای استثناء کردن برخی روایات از حکم صحت را به این گروه نسبت داده‌اند؛ حال برای تشخیص اخباریان از اصولیان کدام یک از این نسبت‌ها می‌تواند ملاک باشد؟ برخی دیگر از فرق‌های پیش‌گفته نیز دارای چنین حالتی هستند، مانند فرق ۱، ۶، ۷، ۸ و ۱۶ از کتاب الفوائد الطوسیه، فرق ۳، ۶ و ۱۴ از کتاب حق المبین و فرق ۸ و ۱۰ از فرق‌هایی که به صورت پیوسته ذکر شده است.

۳. فرق‌هایی که در حقیقت، اختلاف تعبیر است نه فرق واقعی، این فرق‌ها به دلیل عدم تاثیر در فتوای یک فقیه نمی‌تواند ملاک واقعی برای تمییز اخباری از اصولی به حساب آید، به عبارت دیگر، صرف اختلاف تعبیر نمی‌تواند فقهای امامیه را به دو گروه تقسیم کرده باشد، مانند اولین فرقی که از کتاب الفوائد الطوسیه ذکر شد و سایر فرق‌هایی که به نوعی به مساله اجتهاد و تقلید بر می‌گردد، کلمه اجتهاد در فقه دو کاربرد دارد، یکی هم معنی با قیاس و

استحسان و سایر ظنون غیر معتبر است و دیگری به معنای به کار بستن تمام تلاش در به دست آوردن دلیل برای حکم شرعی است. اختلافی که بین اخباریان و اصولیان در مورد حکم اجتهاد وجود دارد ناشی از تفاوت این دو گروه در تعریف اجتهاد است. اخباریانی که قائل به حرمت اجتهاد شده‌اند آنرا هم معنای با اعمال نظر شخصی و قیاس و استحسان و سایر ظنون نامعتبر در نظر گرفته‌اند که شاهد این مطلب استعمالاتی است که از کلمه اجتهاد در کتب برخی از اخباریان دیده می‌شود (محمدتقی مجلسی، لوامع، ۸۷/۱؛ فیض، سفینه النجاة، ۸؛ همو، الشهاب الثاقب، ۳۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار، ۹۱/۹۰). در کلام برخی از اصولیان نیز کلمه اجتهاد در این معنا به کار رفته است، که قائل به بطلان آن هستند. (ابن ادریس، ۱۷۰/۲؛ علامه حلی، ۳۹۲/۸؛ ابن فهد حلی، ۴۹۸/۴). اما در مورد معنای دوم هم اخباریان و هم اصولیان آن را صحیح می‌دانند (استرآبادی، ۴۳؛ عاملی، ۴۲۲؛ خوبی، ۴۲۵/۳؛ آقاضیاء، ۲۱۶/۴). لذا دلیل اختلاف اخباری و اصولی در این مورد ناشی از تفاوت تعبیر و یک نزاع لفظی است و برخی نیز لفظی بودن نزاع در این زمینه را به عنوان احتمال مطرح کرده‌اند (خوبی، همان؛ گرگانی، ۱۶۱/۲۵). هم‌چنین است در مورد سومین فرق از فرق‌هایی که به طور پیوسته ذکر شده، که اختلاف در مساله امکان یا عدم امکان مجتهد مطلق ناشی از تفاوت تعریف دو گروه از مجتهد مطلق است. سماهیچی در این مورد آورده است: همه مجتهدان متجزی هستند زیرا تنها معصوم به جمیع احکام علم دارد (سماهیچی، ۳۸۶) در حالی که اصولیان در تعریف مجتهد مطلق آورده‌اند: کسی که ملکه یا توان استنباط تمام احکام را داشته باشد نه این که فعلا عالم به احکام باشد. (مغنیه، ۶۵/۶؛ فیروز آبادی، ۱۶۸/۶). مخالفت اخباریان با علم اصول فقه نیز از همین روست، و گرنه اخباریان زیادی در کتب خود مباحث اصولی مانند حجیت مفاهیم (عاملی، ۴۴۸) دلالت امر و نهی (بحرانی، حدائق، ۱۶۲/۸ و ۲۷۹/۱۹) و ... را مطرح کرده‌اند. از همین دسته است فرق ۳، ۵ و ۶ از کتاب الفوائد الطوسیة، فرق ۱۴ از کتاب حق المبین و فرق ۶، ۹، ۱۱، ۱۶، ۲۰، ۴۰، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶ از فرق‌هایی که به نحو پیوسته ذکر شد. همان‌طور که بیان شد این دسته از فرق‌ها نیز تعیین کننده ملاک تمییز نیست زیرا در حقیقت فرقی وجود ندارد که بخواهد به عنوان ملاک تمییز بین اخباری و اصولی مورد استفاده قرار گیرد.

۴. فرق‌هایی که به فرض واقعی بودن، آنقدر موثر و دارای اهمیت نیستند که موجب ایجاد تقسیم بین فقهای امامیه گردند، و ملاک تمییز این دو گروه به حساب آیند، مانند: نوزدهمین فرق ذکر شده از کتاب فاروق الحق؛ به فرض که گروهی از فقهای امامیه کلینی و صدوق و...

را اخباری بدانند یا اصولی، آیا این می‌تواند ملاک برای یک تقسیم‌بندی کلی این‌چنینی میان فقهای امامیه باشد؟ و یا فرق ۱۶ از کتاب الفوائد الطوسیه، با وجود پرننگ جلوه دادن این فرق که مربوط به ظواهر قرآنی است، اولاً برخی از منتسبان به اخباریان مانند شیخ یوسف بحرانی ظواهر قرآن را حجت می‌دانند (بحرانی، درر، ۳۵۰/۲)، ثانیاً به فرض که همه اخباریان ظواهر قرآن بدون تفسیر معصومان را حجت ندانند و تمام اصولیان آن را حجت بدانند، باز هم در واقع هیچ‌گونه تاثیری بر این دو نظر مترتب نیست، زیرا اصل بحث در این زمینه در مورد آیات الاحکام است، که در مورد تک‌تک آیات الاحکام روایات تفسیری فراوانی وجود دارد (معرفت، ۹۶/۱) و لذا در واقع فرقی بین اخباری و اصولی در این زمینه وجود ندارد و این‌گونه فرقی‌ها نیز نمی‌تواند ملاک تقسیم اخباری و اصولی به حساب آید. فرقی‌های دیگری مانند فرق ۲۳، ۴۲، و ۴۸ از فرقی‌هایی که به صورت پیوسته ذکر شد نیز در این گروه قرار می‌گیرند.

بررسی نهایی

تقریباً تمام فرقی‌هایی که بین اخباریان و اصولیان ذکر شد در یک یا بیش از یکی از این چهار دسته فرق می‌گنجند و همان‌طور که تبیین شد هیچ‌یک از این ۴ دسته فرق نمی‌تواند ملاک قطعی برای تمیز اخباریان از اصولیان باشد. حال باز این سوال که، با چه ملاکی برخی از فقهای امامیه اخباری و برخی دیگر اصولی نام گرفته‌اند مطرح می‌شود. پاسخ احتمالی که در این مرحله به ذهن می‌رسد این است که اگر فقیهی در اکثر این فرق‌ها همراه با اخباریان باشد اخباری، و در حالت عکس، اصولی نامیده می‌شود. اما این احتمال نیز با بررسی دقیق برخی از شخصیت‌های منتسب به اخباریه ضعیف جلوه می‌کند، به عنوان مثال مجلسی دوم، برخلاف نسبتی که به اخباریان می‌دهند قائل به حجیت مفاهیم (مجلسی، بحار، ۳۶۱/۷۷ و ۷/۸۶؛ همو، ملاذ الاخیار، ۱۶/۱ و ۱۸-۲۰) اجماع (همو، بحار، ۴۱/۸۵) و ظواهر قرآن است (همان، ۱۴۷/۸۶-۱۴۹؛ همو، ملاذ الاخیار، ۱۹/۱). تقسیم اخبار به ۴ نوع را صحیح می‌دانند (همان، ۲۱/۱). در صورت عدم امکان حصول علم عمل به ظن را جایز می‌شمارد (همو، مرآة العقول، ۱۰۰/۱) در صورت به خطا رفتن اجتهاد مفتی را معذور می‌داند و در صورت به واقع رسیدن او را مستحق دو ثواب می‌داند (همان، ۲۰۰/۱) و ... با وجود موافقت وی با اصولیان در محورهای مهم اختلاف بین این دو گروه وی را جز اخباریان به حساب آورده‌اند (قیصری، ۱۶۱/۷؛ امین، ۴۰/۳؛ حسینی، ۶۹۶/۱؛ مکارم، ۱۲۰)، حتی برخی وی را از بارزترین پیروان

مکتب استرآبادی دانسته‌اند (شاهرودی، ۳۰۲/۱). لذا با این ملاک نیز نمی‌توان به طور قطع حکم به اخباری یا اصولی بودن یک فقیه کرد.

با توجه به بررسی ملاک‌های احتمالی در تمییز اخباریان از اصولیان و به دست نیاوردن ملاک قطعی، فرضیه‌ای که اثبات آن پر رنگ می‌شود، عدم وجود ملاک قطعی برای تشخیص اخباری از اصولی است، و شاید همین فرضیه است که تحت عنوان عدم وجود فرق واقعی بین این دو گروه و لفظی بودن نزاعشان، توسط برخی بیان شده است (بحرانی، درر، ۲۸۸/۳؛ همو، حدائق، ۱۶۷/۱؛ عمران، ۷-۱۰؛ مکارم، ۳۱۶). سید محمد سعید طباطبائی حکیم در این زمینه بیان می‌کند: حدود چهل سال در زمینه فرق بین اخباری و اصولی وقت گذاشتیم و از جمیع این تلاش‌ها اعتقادی درونی در این مورد برای ما پیدا شد که نتیجه‌اش عدم حمایت و رد هیچ‌یک از این دو گروه است به دلیل این که هیچ معیار دقیقی بین دو روش وجود ندارد و امتیازاتشان مشخص نیست و آنچه به عنوان وجه فرق بین این دو گروه ذکر شده صلاحیت فارق بودن ندارد تا چه رسد به این که موجب انقسام و امتیاز هر یک از دو گروه شود. (حکیم، ۷). البته انکار وجود اختلاف نظر در میان اکثر فقهای اخباری و اکثر فقهای اصولی انکار یک واقعیت مسلم است، اما اقلیتی که با وجود منسوب بودن به یک گروه تابع برخی نظرات فقهای گروه مقابل هستند، ایجاد ملاک قطعی برای تمییز اخباریان از اصولیان را دشوار می‌سازد. در پایان با توجه به عدم وجود ملاک قطعی تقسیم، شاید آنچه باعث ایجاد این تقسیم‌بندی گردیده تفاوت اندیشه و شخصیت فقهاست، که در یک فقیه ممکن است نقل‌گرایی قوی‌تر باشد و در دیگری عقل‌گرایی؛ البته این طیف گرایش فقها به یکی از این دو روش، آن قدر گسترده است که نمی‌توان به طور قطعی و دقیق مرزی بین مشتاقان به عقل و مشتاقان به نقل در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

- ۱- ملاک دقیق و معینی برای تمییز فقهای اخباری و اصولی توسط علما ارائه نشده است.
- ۲- ملاک‌های احتمالی برای تمییز مانند تعریف فقیه از خودش و یا اخباری یا اصولی بودن شاگردان یا اساتید یک فقیه و... ملاک‌های دقیقی و یقین‌آوری برای این تمییز نیستند.
- ۳- بیش از صد تفاوت بین اخباریان و اصولیان ذکر شده است که بسیاری از این تفاوت‌ها در مورد اکثر فقهای اخباری و اصولی صحیح‌اند. اما وجود اقلیتی در منتسبان به هر گروه که

دارای نظرات فقهای منتسب به گروه مقابل هستند مانع به دست آوردن ملاک قطعی تمییز از تفاوت‌های مذکور می‌گردند.

بنابراین با وجود پذیرش اختلاف نظر در میان اکثر فقهای دو گروه، ملاک قطعی و یقین‌آوری برای انتساب یک فقیه به گروه اخباریان و یا گروه اصولیان وجود ندارد زیرا ممکن است با همان ملاک فقهی که منتسب به اخباریان است جزء اصولیان قرار گیرد و یا برعکس. البته واقعیتی که قابل انکار نیست، گرایش برخی فقها به عقل یا نقل است که به دلیل نامحسوس بودن تغییر میزان این گرایش در میان فقهای مختلف، نمی‌تواند ملاکی برای تقسیم فقها به اخباریان و اصولیان به حساب آید و مرزبندی دقیقی ایجاد کند.

منابع

- آقا بزرگ طهرانی، محمد حسین، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- ابن ادریس، محمد ابن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن فهد حلّی، احمد ابن محمد، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، محقق: مجتبی عراقی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
- اخباری، علی، *سبکة اللجین فی الفرق بین الفریقین*، نسخه الکترونیک از سایت آل عصفور <http://www.al-asfoor.org/books/index.php?id=1235>
- اذکایی، پرویز، و دیگران، *دائرة المعارف تشیع*، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی، بها الدین خرمشاهی، تهران، شهید محبی، ۱۳۷۵.
- استرآبادی، محمد امین- موسوی عاملی، نور الدین، *الفوائد المدنیة و بدیله الشواهد المکیة*، محقق: رحمت الله رحمتی اراکی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۶ق.
- امین، حسن، *دائرة المعارف الاسلامیة الشیعیة*، بیروت، دارالتعارف، ۱۳۸۰-۱۳۸۴.
- آقا ضیاء عراقی، *نهایة الافکار*، تحریر محمد تقی بروجردی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، محقق: محمد تقی ایروانی- سید عبد الرزاق مقرر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- _____، *الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة*، بیروت، دار المصطفی لإحياء التراث، ۱۴۲۳ق.

بهشتی، ابراهیم، *اخباریگری*، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۹۰.

تبریزی، جعفر سبحانی، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، بی تا.

- جزائری، نعمت الله، *منبع الحياة و حجیة قول المجتهد من الأموات*، محقق: رؤف جمال الدین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۱ ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، *الفوائد الطوسیة*، محقق: سید مهدی لاجوردی حسینی، محمد درودی، قم، چاپخانه علمیه، ۱۴۰۳ ق.
- حسینی دشتی، مصطفی، *معارف و معاریف*، قم، دانش، ۱۳۷۶.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضی، *عناية الأصول فی شرح کفایة الأصول*، قم، کتابفروشی فیروزآبادی، ۱۴۰۰ ق.
- خویی، ابوالقاسم، *دراسات فی علم الاصول*، تحریر: علی هاشمی شاهرودی، قم، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- دزفولی، محمد، *فاروق الحق*، نسخه خطی نوشته شده در حاشیه کتاب حق المبین، موجود در کتابخانه آستانه مقدسه قم، شماره ثبت ۸۷۷.
- زند، فتحعلی، *الفوائد الشیرازیة*، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۸۱۰۹.
- سماهیجی، عبد الله بن صالح، *میراث اسلامی ایران*، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۳۷۷.
- صدر، محمد باقر، *دروس فی علم الاصول*، بی جا، دارالمنتظر، ۱۴۰۵ ق.
- طباطبائی حکیم، محمد سعید، *الاصولیه و الاخباریه بین الاسماء والواقع*، دارالهیلال، ۱۴۲۶ ق.
- عبدالمنعم، محمود عبد الرحمن، *معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة*، قاهره، دارالفضیله، ۱۴۱۹ ق.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- عمران، فرج، *الاصولیین و الاخباریین فرقة واحدة*، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۵ ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *الشهاب الثاقب فی وجوب صلاة الجمعة العینی*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۱ ق.
- _____، *سفینه النجاة*، مترجم و شارح: محمد رضا تفرشی درودیان، بی جا، بی نا، بی تا.
- قیصری، احسان، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، *الحق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئة الاخباریین*، استفاده از نسخه الکترونیک سایت مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی

<http://islamicdoc.org/Multimedia/fbook/3505/index.htm>

- کری، حسین ابن شهاب الدین، *هدایة الابرار الی طریق الأئمة الاطهار(ع)*، مصحح: رئوف جمال الدین، بی جا، بی نا، ۱۹۷۷ م.
- گرگانی، سید محسن، «نظریة المحقق النراقی قدس سره فی حجیة أخبار الآحاد»، *مجلة فقه أهل البيت عليهم السلام*، جلد ۲۵، صفحہ ۱۶۱-۱۹۱.
- ماحوزی بحرانی، سلیمان ابن عبدالله، *مجموعه*، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۱۹۱۶.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام*، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
- _____، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق.
- _____، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، محقق: مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
- مجلسی، محمد تقی، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، محقق: حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاودی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
- _____، *لوامع صاحب قرانی*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ق.
- معرفت، محمد هادی، *تفسیر و مفسران*، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹.
- مغنیه، محمد جواد، *فقه الإمام الصادق علیه السلام*، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، *دائرة المعارف فقه مقارن*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ ق.
- هاشمی شاهرودی، محمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام، ۱۴۲۶ ق.